

49010 - حکمت برگشتن از راه دیگر پس از نماز عید چیست؟

سوال

جایی خواندم که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از راهی به نماز عید می‌رفت و از راهی دیگر باز می‌گشت؛ حکمت از این کار چیست؟

پاسخ مفصل

الحمد لله.

بخاری (۹۸۶) از جابر بن عبدالله انصاری - رضی الله عنهما - روایت کرده که گفت: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - هر گاه روز عید فرا می‌رسید مخالفت مسیر می‌نمود. منظور از مخالفت طریق یعنی از یک راه به نماز می‌رفت و از راهی دیگر برمی‌گشت.

آنچه برای مومن مطلوب است، پیروی از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است حتی اگر حکمت برخی از کارهای ایشان - صلی الله علیه وسلم - را نداند. الله متعال می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا [احزاب: ۲۱]

(قطعا برای شما در رسول الله الگویی نیک است؛ برای آن کس که به الله و روز آخرت امید دارد و الله را فراوان یاد می‌کند).

ابن کثیر - رحمه الله - می‌گوید: این آیه کریمه، اصلی است بزرگ درباره‌ی اسوه گرفتن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در گفتار و کردار و احوال ایشان.

علما در مورد حکمت این کار پیامبر - صلی الله علیه وسلم - سخنان بسیاری گفته‌اند.

حافظ ابن حجر می‌گوید:

درباره‌ی معنای این [کار] اقوال متفاوت بسیاری گفته‌اند که من بیست مورد آن را جمع‌آوری کرده و مختصر نموده و اقوال بی‌ارزش را بیان کرده‌ام. قاضی عبدالوهاب مالکی می‌گوید: در این باره فوائد و نکات بسیاری گفته شده که برخی از آن نزدیک به حق و بیشتر آن ادعاهای بی‌اساس است.

برخی از حکمت‌های گفته شده در این باره:

- ۱- ایشان چنین می‌کردند تا هر دو راه برایشان [در آخرت] شهادت دهند. همچنین گفته شده: تا ساکنان این دو راه - از جنیان و انسیان - برایش شهادت دهند.
- ۲- و گفته شده تا هر دو راه را از نظر مزیت یا تبرک یکسان کند.
- ۳- و گفته شده: راه رفتن ایشان به مصلی از سمت راست بوده و اگر از همان جهت می‌آمد از سمت چپ برمی‌گشت. این قول البته نیاز به دلیل دارد.
- ۴- و گفته‌اند برای آشکار نمودن شعائر اسلام، یا آشکار نمودن ذکر خداوند.
- ۵- و گفته شده برای به خشم آوردن منافقان یا یهودیان. همینطور گفته‌اند: برای آنکه آنان را با کثرت مسلمانان و کسانی که همراهش بودند بترساند. این بطلان این قول را ترجیح داده است.
- ۶- و گفته‌اند: برای برحذر بودن از نیرنگ این دو گروه یا یکی از آنان که البته در صحت این قول تردید است.
- ۷- برخی گفته‌اند: برای این چنین کاری می‌کرد تا همه‌ی مسلمانان را شاد کند، یا برای آنکه همه از برکت ایشان و دیدنشان سود برند یا نیازهای مسلمانان را برآورده سازد، از جمله پاسخ دادن به پرسش‌های آنان و اسوه گرفتن آن‌ها از ایشان و راهنمایی یا دادن صدقه به فقرایشان و سلام بر آنان و دیگر موارد.
- ۸- همچنین گفته شده برای دیدار با نزدیکان و صله‌ی رحم.
- ۹- و گفته‌اند به عنوان خوش فالی برای تغییر حال به مغفرت و خشنودی پروردگار.
- ۱۰- برخی گفته‌اند: ایشان در راه رفتن صدقه می‌داد، و هنگامی که برمی‌گشت چیزی همراه نداشت، برای همین از راهی دیگر برمی‌گشت تا مجبور نشود تقاضای کسانی که از وی چیزی می‌خواستند را رد کند. این قول ضعیف است و علاوه بر آن دلیلی ندارد.
- ۱۱- گفته‌اند: راهی که برای رفتن به مسجد می‌پیمود طولانی‌تر از راه برگشت بود، برای همین می‌خواست با قدم زدن بسیار اجر بیشتری در رفتن به مسجد به دست آورد، اما در بازگشت از مسیری کوتاه‌تر برمی‌گشت تا زودتر به منزل برسد. رافعی این قول را برگزیده، هرچند بیان داشته که نیاز به دلیل دارد و اجر قدم زدن همانطور که در رفت نوشته می‌شود برای برگشت نیز ثبت می‌شود چنانکه در حدیث ابی بن کعب نزد ترمذی و دیگران وارد شده است.

۱۲- و گفته شده: از آنجایی که ملائکه در راهها ایستاده‌اند، ایشان خوسته هر دو گروه برای وی شهادت دهند». پایان سخن حافظ ابن حجر با کمی تصرف و اختصار.

ابن قیم در زاد المعاد (۱/ ۴۴۹) پس از ذکر این حکمت‌ها می‌گوید:

صحیح‌تر این است که این کار برای همه‌ی این موارد و دیگر حکمت‌ها است که فعل ایشان - صلی الله علیه وسلم - خالی از آن نیست.

شیخ ابن عثیمین - رحمه الله - می‌گوید: «اگر گفته شد حکمت از مخالفت راه [رفتن با برگشتن] چیست؟ می‌گوییم: برای پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم:

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا [احزاب: ۳۶]

(و هیچ مرد و زن مومنی را سزاوار نیست که چون الله و پیامبرش به کاری فرمان دهند برای آن در کارشان اختیاری باشد و هر کس الله و فرستاده‌ی او را نافرمانی کند، قطعاً دچار گمراهی آشکاری شده است).

... حکمت این است». سپس شیخ ابن عثیمین به بیان حکمت‌های پیشین در سخن حافظ ابن حجر پرداختند. مجموع فتاوی ابن عثیمین (۱۶/ ۲۲۲).